

دوشنبه 25 آذر 1398 - 18 ربیع الثانی 1441 - 16 دسامبر 2019

رحلت فقیه فرزانه آیت الله "سید محمدحسن میرجهانی" (1371 ش)



رحلت فقیه فرزانه آیت الله "سید محمدحسن میرجهانی" (1371 ش)، آیت الله حاج سیدمحمدحسن بن میرسیدعلی میرجهانی طباطبائی اصفهانی، در سال 1280 ش برابر با 1319 ق در یکی از روستاهای اطراف اصفهان دیده به جهان گشود. وی پس از فراگیری علوم پایه، به نجف اشرف عزیمت نمود و از محضر آیات عظام: آقا ضیاءالدین عراقی، سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ عبداللّه مامقانی و میرزای نایینی بهره جست و به مدارج عالی علمی رسید. آیت الله میرجهانی پس از آن به خواست پدر به اصفهان بازگشت و به انجام امور دینی پرداخت. این عالم بزرگوار پس از درگذشت پدر و مدتی اقامت در مشهد مقدس، در تهران ساکن گردید و به تبلیغ، هدایت، ارشاد مردم و تألیف و تصنیف پرداخت. آیت الله میرجهانی در علوم غریبه اطلاعاتی عمیق داشت. هم‌چنین طبع روانش او را قادر ساخته بود تا در مدح معصومین (ع) به عربی و فارسی به نیکویی شعر بسراید. آثار چندی از این عالم ربانی به جای مانده است که مصباح¹، البلاغه²، گنوزالحکم و فنون³، الکلیم و دیوان اشعار از آن جمله‌اند. این محدث و خطیب بزرگوار سرانجام در بیست و پنجم آذر 1371 ش برابر با بیست⁴ و یکم جمادی الثانی 1402 ق در نودویک سالگی در اصفهان رخت از جهان فرو بست و در جوار مقبره علامه مجلسی در کنار مسجد جامع این شهر به خاک سپرده شد.

25 آذر در تقویم جمهوری اسلامی به عنوان روز پژوهش نامگذاری شده است. هفته پژوهش از 25 آذر ماه با شعار «بدون پژوهش و مطالعه تصمیم گیری نکنیم» آغاز می شود و تا 29 آذر ادامه دارد. موفقیت روزافزون علم در شناخت جهان هدفدار و قانونمند که با تکیه بر ابتکارات خلاقیت های به ودیعه نهاده شده از سوی خدای متعال در وجود بشر و بهره برداری از قدرت شگرف اندیشه آدمی صورت گرفته، فضای زندگی جدیدی را برای انسان ها به ارمغان آورده است. این فضای جدید و این تمدن نوظهور که خود برخاسته از تعاملات عمیق میان تمدنی و میان فرهنگی است، موجد خواست ها، نیازها، اندیشه ها مسائل و مشکلاتی است که به نوبه خود توسعه علم و اندیشه را می طلبند. در این مسیر اندیشه های ژرف در قالب پژوهش های بنیادین صورت بحث پذیر به خود می گیرند و دستمایه انجام پژوهش های کاربردی می شوند تا خواست ها و نیازها را پاسخ گویند و راه حل های بهتر و بیشتری برای مسائل و مشکلات جوامع بشری پیشنهاد کنند و همین جاست که نقش موثر و سهم بسزای بخش تحقیقات در روند تحولات جوامع آشکار می شود. تحولات زندگی بشر در قرن بیستم نشان از گسترش روز افزون اهمیت علم و تحقیق داشت، به ویژه در نیمه دوم این قرن کشورهای صنعتی و در حال توسعه با آگاهی از نقش پژوهش در خلق فن آوری و شتاب دهی برای توسعه، عمده توجه خود را مصروف تقویت و ارتقای بخش تحقیق نموده اند. از این روست که می توان گفت بین پیشرفت بخش تحقیق و شتاب توسعه فراگیر و پایدار در هر کشور ارتباط مستقیم برقرار است. نقش پژوهش در توسعه همه جانبه پایدار چنان برجسته و انکارناپذیر است که می توان آن را بدون تردید نیروی محرک توسعه در همه حوزه ها اعم از فرهنگ، اقتصاد، سیاست و جامعه دانست. اما علی رغم اعتراف و اذعان نسبت به اهمیت مقوله پژوهش، این حوزه با دشواری های ساختاری و عملکردی فراوانی مواجه است.

شکست "نابلئون بناپارت" در جنگ با روسیه (1812م)
نابلئون بناپارت، امپراتور فرانسه در 22 ژوئن 1812م با ارتشی مجهز به روسیه حمله کرد اما پس از برخورد با سرمای کشنده، بیماری و گرسنگی، مجبور به عقب⁵ نشینی شد. در این میان سربازان او به شدت از اثرات سرمای جان⁶ و گداز روسیه صدمه خوردند به طوری که از 530 هزار سرباز فرانسوی، فقط 32 هزار نفر جان سالم به در بردند در حالی که از ارتش 120 هزار نفری روسیه، تنها 40 هزار نفر جان خود را از دست داده بودند. نابلئون پس از این شکست با شتاب به پاریس بازگشت تا پول لازم را برای حملات بعدی خود فراهم آورد. اما این ماجراجویی تحقیرآمیز، دیگر کشورهای رقیب فرانسه را تحریک کرد تا در حال ضعف به ارتش فرانسه یورش برند و امپراتور فرانسه را سرنگون سازند. تهل⁷ محقق. حلی⁸ فقه نیک و نامدا، شیعی، (602 ق)،
شیخ جعفر بن شیخ حسن حلی معروف به محقق حلی در سال 602 هجری در حله واقع در عراق به دنیا آمد. وی از ابتدا دارای هوشی سرشار و استعدادی شگرف بود. در محضر پدر، ابن زهره⁹ و حلی، تاج الدین حسن بن علی دربی و دیگران تحصیلات خود را ادامه داد و خود بر مسند تدریس نشست. نام آوارنی مانند علامه¹⁰ و حلی، ابن¹¹ داود حلی، سید بن طاووس و ابن سعید هذّلی حلی از جمله دست پروردگان مکتب درس محقق حلی¹² اند. وی مورد احترام خاص خواجه نصیرالدین طوسی بود و خواجه، به او ارج فراوان می¹³ نهاد. شرایع الاسلام، المختصر النافع فی فقه الامامیه و آثار دیگر وی چون نگینی در میان کتب اسلامی می¹⁴ درخشند. محقق

حلی در سال 676 ق، در هفتاد و چهار سالگی رحلت نمود.
تهل¹⁵ "جورج سائتایانا" فیلسوف و نویسنده اسپانیایی - آمریکایی در شانزدهم دسامبر 1863م در مادرید اسپانیا

به دنیا آمد. وی در نه سالگی به آمریکا سفر کرد و در آن‌جا در دانشگاه هاروارد به تحصیل پرداخت. سانتایانا مدت‌ها در آمریکا به تنهایی و ناراحتی می‌زیست و عاقبت در سال 1913م پس از اقامت 31 ساله در آمریکا به برلین رفت. وی در برلین فلسفه یونان را فرا گرفت و سپس در کمبریج انگلستان، این مطالعات را ادامه داد. سانتایانا در نهایت پس از چند سال تحقیق و تدریس، در ایتالیا اقامت گزید و دیرنشین، منزوی گردید. وی اگرچه شاعری بود که عالمانه می‌سرود اما به خاطر فلسفه، دست از شاعری برداشت. فلسفه سانتایانا مخلوطی از فلسفه افلاطون و عقاید کاتولیکی است. هر چند وی به نظریه وحدت وجود اعتقادی نداشت و تأکید می‌کرد که خدایی وجود ندارد اما بر این عقیده بود که ادیان، قصه‌های زیبایی هستند، ایمان داشتن به خدا خوب است و نباید نسبت به افسانه‌های ادیان انتقاد نمود. این عقاید، نتیجه دستگاه فلسفی ناستوار اوست، چرا که می‌خواست با چشم باز، خواب ببیند و از دنیا کناره‌گیری کند بدون آن که آن را دشمن بدارد. سانتایانا یک ماتریالیست و ماده‌گرایی به تمام معناست که ماده را بنیان هستی و همه پدیده‌ها را محصول آن می‌داند. او به جاودانگی عقل ایمان دارد و گرچه فیلسوفی است مادی، اما تعریف کاملی از ماده که مبنای عقیده‌اش باشد، ندارد. سانتایانا در آثاری که در اواخر عمرش پدید آورد، تأثیر ایمان به ناشناختن در دنیای کاملاً مادی و زندگی بشری را مورد تأکید قرار داده است. آثار او به علت وسعت نظر و استادی در نویسندگی، خوانندگان فراوانی داشته است که برخی از آن‌ها عبارتند از: حیات عقل، قلمرو روح، قلمرو ماده و احساس زیبایی. کتاب‌های سانتایانا به غیر از "آخرین پیرایش‌گر" مقبولیتی نیافتند. روی هم رفته، او از گمنامی ادبی خویش اندوه‌گین بود. با این حال، می‌گفت: حُسن اندوه و حسرت آن است که، گذران است. طبیعت با دلخوشی احمقانه‌ای که زندگی نام دارد، ما را لحظه‌ای سرگرم می‌سازد و سپس به خواب فراموشی فرو می‌برد. پس بیاید از آن یک لحظه بیداری، بهترین استفاده را بکنیم. بدیختی‌های زودگذر آن را فراموش کنیم و شادی‌های زودگذر آن را غنیمت بشماریم و سپاس بداریم. بالاخره، برای تولد و مرگ، راه چاره‌ای نیست جز آن که از حدّ فاصل این دو بهره بگیریم. ولی طوری بهره بگیریم که شادی ما مایه تلخ‌گامی همسایه‌مان نشود. سانتایانا در یکی از غزل‌های خود نوشته است: بهشت آن است که آدمی با همه چیز در صلح و صفا باشد. جورج سانتایانا سرانجام در 25 سپتامبر 1952م در 89 سالگی درگذشت.